



Inquiry of Plebian Elements in Tobacco Movement

Jalil Karimi¹ | Nadieh Rezaei² | Omid Mansouri³

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: j.karimi@razi.ac.ir
2. Department of Sociology and Social Planning, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: rezaeinadie@gmail.com
3. Corresponding Author, Department of Social Development Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: omidmansouri14@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 April 2023

Received in revised form: 28
July 2023

Accepted: 29 August 2023

Published online: 15 March
2024

Keywords:

Constitutional Revolution,
Democracy, Global Order of
Capital, Plebian Experience,
Tobacco Movement

ABSTRACT

This article aims at a different analysis of the tobacco movement. Assuming that this initial encounter between the Iranian people and the government, which was precipitated by the territorial expansion of global capitalism via concessions in a peripheral country, comprises characteristics that are unique to a subordinate experience. The theoretical perspectives of "Martin Breaugh" served as the inspiration for this article.

It has been enhanced by a system perspective that emphasizes the linguistic-historical critique of the object and operates under the assumption that it lacks identity. Utilized methods consist of secondary and document analysis. An endeavor has been undertaken to measure the presence and absence of components of the plebian principle in the actions and moments of the aforementioned movement through linguistic criticism, reexamining historical documents, and even analyzing analyses.

The main results of this research are: 1) Initiated by Shiite scholars and instigated by the discontent of merchants and businessmen, this movement rapidly evolved into a social movement that encompassed the urban impoverished, dashmashti, women, children, courtiers, and even the royal harem. 2) It should be noted that although street demonstrations and protests emerged as a result of the plebeian people's affection for squares (agoraphilia), the boycott proved to be the most effective and crucial method of challenging the king and foreigners. This article argues that the boycott represents the epitome of consumerism or the C-M moment. 3) The authors demonstrated that totalitarian regimes abstain from employing force not due to a lack of legitimacy, but rather when they lack the authority to "command"; 4) An unintended democratic desire emerged, which ultimately resulted in a yearning for recognition by "the people"; this desire ceased to progress until it reached its logical juncture, but served as the foundation for subsequent developments. This remains a present-day concern and has been the primary social demand of all contemporary social movements in Iran; 5) In contrast to an ahistorical and orientalist perspective, the tobacco movement serves as an expression of democratic opposition.

Cite this article: Karimi, J.; Rezaei, N & Mansouri, O. (2023). Inquiry of Plebian Elements in Tobacco Movement. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12 (4),535-551 <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358260.1395>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358260.1395>



جست‌وجوی عناصر پلینی در جنبش تنباکو

جلیل کریمی^۱ | نادیه رضایی^۲ | امید منصوری^۳ ✉

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: j.karimi@razi.ac.ir

۲. گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: rezaeinadie@gmail.com

۳. نویسنده مسئول، گروه مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: omidmansouri14@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف این مقاله واکاوی متفاوت جنبش تنباکو است؛ با این فرض که این نخستین تجربه رویارویی مردم و حاکمیت در ایران، متأثر از قلمروگستری سرمایه‌داری جهانی به‌واسطه امتیازگیری در کشوری پیرامونی، حاوی عناصری است که خاص نوعی تجربه پلینی است. این نوشتار از جهت نظری ملهم از آرای مارتین براو است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

از وجه روش‌شناختی، از بینش منظومه‌ای بهره برده شده است که بیشتر به نقد زبانی-تاریخی موضوع می‌پردازد و آن را امری ناپین‌همان فرض می‌کند. تکنیک‌های به‌کاررفته تحلیل اسناد و ثانویه است. از خلال نقد زبانی و نیز بازخوانی اسناد تاریخی و حتی تحلیل تحلیل‌ها، بودونبود عناصر اصل پلینی در لحظات و کنش‌های جنبش مذکور سنجیده می‌شود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

عمده‌ترین نتایج این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. این جنبش با تهییج تجار و بازرگانان آغاز شد و رهبری آن را علمای شیعه عهده‌دار شدند، اما به‌سرعت بدل به حرکتی اجتماعی شد که از سطح این گروه‌های اجتماعی فراتر رفت و تهیدستان شهری، داش‌مشتی‌ها، زنان، کودکان و درباریان و حتی حرمسرای شاهی را نیز دربرگرفت؛ ۲. با وجود تظاهرات و اعتراضات خیابانی که از عشق به میادین (آگورافیلیا) در تجربه پلینی نشئت می‌گیرد، تحریم مهم‌ترین و کاراترین راهبرد برای مقابله با شاه و خارجی‌ها بود که طبق ادعای این مقاله در وجه مصرف‌کنندگی یا لحظه C-M رقم خورد؛ ۳. حاکمیت تمامیت‌خواه، نه به سبب فقدان مشروعیت، بلکه هنگامی که توان «فرمان‌راندن» ندارد، از اعمال خشونت باز می‌ایستد؛ ۴. نوعی خواست دموکراتیک شکل گرفت که پیامد آن، گرچه نیت‌ناشده، خواست به‌رسمیت‌شناخته‌شدن مردم بود و فقط پس از رسیدن به نتیجه منطقی خود از حرکت باز ایستاد، اما زمینه‌ساز تحولات بعدی شد. این امر کماکان معاصر است و مهم‌ترین خواست اجتماعی در تمام جنبش‌های معاصر اجتماعی ایران بوده است؛ ۵. برخلاف نگرش ذات‌گرایانه و غیرتاریخی شرق‌شناسانه، جنبش تنباکو نمود مقاومت دموکراتیک است.

کلیدواژه‌ها:

تجربه پلینی، جنبش تنباکو،
دموکراسی، مشروطه، نظام جهانی
سرمایه.

استناد: کریمی، جلیل؛ رضایی، نادیه و منصوری، امید (۱۴۰۲). جست‌وجوی عناصر پلینی در جنبش تنباکو. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۴): ۵۳۵-۵۵۱.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358260.1395>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.358260.1395>

۱. مقدمه و بیان مسئله

وقایعی چون جنبش تنباکو همواره در حاشیه و زیر سایه انقلاب مشروطه قرار گرفته و آن‌چنان محل مذاقه قرار نگرفته‌اند؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد این جنبش امکان‌هایی را پیش می‌کشد که کماکان معاصر هستند؛ یعنی نیرویی دارد که بر لحظه حال اثر دارد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین نیت ناخواسته آن، خواست به‌رسمیت‌شناخته‌شدن بوده است که جست‌وجوی نوعی سوژگی اجتماعی در مقام صدادارشدن مردم است. با این حال می‌دانیم تاریخ صورت‌بندی این سوژگی یا نظروزی^۱ در باب آن، به‌مثابه امری پروبلماتیک، هم‌زاد با مدرنیته بوده است. البته این صرفاً مناقشه‌ای انتزاعی و مفهومی نیست. بلکه ملازم این امر، رخدادهایی در روابط انسانی است که نیروی محرکه آن‌ها صنعتی‌شدن^۲ و شهری‌شدن^۳ بوده است. در این وضعیت بود که مردم با صور مختلف از مناسبات اقتصادی-اجتماعی پیشین خویش بریده شدند و در مقام نیروی کار یا صاحبان ابزار تولید و... به صحنه سیاست آمدند. پروبلماتیک مردم درون این منظومه مادی معنادار می‌شود. به عبارتی با گسترش این مناسبات، هم‌زمان مناقشه مردم و اراده آنان نیز طرح شد. یک سوی این مناقشه، بندگی خودخواسته و توده‌ای‌شدن هستی اجتماعی به‌واسطه حضور مردم (گاست به نقل از لوردون، ۱۳۹۷) و سوی دیگر، تعبیر از مردم به‌مثابه نیرویی انقلابی و دموکراتیک بوده است (دولا بوئسی، ۱۴۰۰).

خود کنش نامیدن و صدا یافتن مردم نشان می‌دهد تاریخ این سوژه جمعی، یک‌دست نیست که بتوان آن را با مفاهیم ذات‌گرایانه عقیم‌کننده واقعیت تحلیل کرد. این جستار در پی بررسی جنبش تنباکو، شکل‌گیری پروبلماتیک مردم و چندوچون تجربه نوعی خواست نیت‌ناشده دموکراتیک در ایران است. از این‌رو نشان می‌دهد گفتاری که هم‌زمان با سوژگی مردم به تاریخ این فرهنگ سرایت کرد، چه اثراتی بر آن داشت و اگر موفق به یافتن عناصری از اصل پلینی^۴ شد، اثر آن بر وضعیت مدرن ایران و جست‌وجوی ردپای آن در روند دموکراتیزاسیون این جامعه به چه نحوی بوده است؟ از سوی دیگر می‌خواهد بداند آیا این سنت که کنشگری مردم در هستی اجتماعی به‌مثابه امر سیاسی، یعنی دوگانه‌سازی واقعیت و ایجاد شکاف در آن را خاص فرهنگ غربی می‌داند، برحق است یا صرفاً حاصل ته‌نشست‌هایی شرق‌شناسانه در جهان پس از دوران استعماری غرب است.

این جستار در پی استنتاج امکان‌هایی از واقعه‌ای است که به تعبیر بسیاری نخستین تلاش دموکراتیک عامه مردم یا مقاومت منفی در تاریخ ایران بوده و دستاوردهایی مثال‌زدنی داشته است. این تلاش هم‌زمان نوعی ادای دین به «حافظه جمعی»^۵ و «بازسازی»^۶ (هالبواکس، ۱۹۹۲) کنش‌های دموکراتیک جامعه ایرانی است تا ریشه‌های خود را فراموش نکند و دچار داوری‌های ناروا به‌دلیل فراموشی تاریخی نشود. این بدان سبب است که نهاد قدرت، از طریق دیالکتیک یادآوری و فراموشی است که می‌تواند ایدئولوژی خویش را نهادینه کند و استیلا یابد. به همین دلیل است که از منظری پلینی به جنبش مذکور نگریسته می‌شود. با این حال، این تز بنیامینی نیز که حافظه جمعی مادامی‌که به کار رهایی اکنون نیاید باید دور ریخته شود، چندان دور از ذهن نبوده است.

1. Speculization
2. Industrialization
3. Urbanization

۴. پلب‌ها (Plebs) سوژه‌هایی سیاسی هستند که به‌معنایی کلی، نوعی قاعده عمل را ارائه می‌دهند که به نوع بشر هدفی رهایی‌بخش عرضه می‌کند و به‌مثابه قاعده‌ای برای فهم‌پذیری تاریخی عمل می‌کند. پلب‌ها به‌لحاظ تاریخی، طبقه‌ای اجتماعی-سیاسی در روم باستان بودند که برای نخستین بار با برآشتن در برابر اشراف رومی، امر سیاسی را ممکن کردند (براو، ۱۳۹۶: ۵۱). ماکیاولی و دیگران این شیوه عمل را به‌عنوان اصلی سیاسی صورت‌بندی و در فلسفه سیاسی، به مفهومی محوری تبدیل کردند که اکنون آن را «اصل پلینی» می‌نامند.

5. Social memory
6. Reconstruction

۲. پیشینه پژوهش

نزاع روشنفکران در موضوع امتیاز تنباکو و نیز تحولات پس از آن، دو جناح اصلی داشت. از این دست است اثرگذاری سید جمال‌الدین بر میرزای شیرازی (الگار، ۱۹۶۹) تا حمایت ملک‌خان از واگذاری امتیازات که در نهایت شکست سیاست امتیازسپاری موجب از بین رفتن نفوذ او در قدرت شد. ملک‌خان ([۱۲۷۶] ۱۳۸۱) بیشتر به این دلیل با اعطای امتیازها موافق است که بر آن است که در ایران اصول اعطای امتیازنامه وجود ندارد و اگر نباشد، موجب ضرر مردم و نیز ناامیدی آنان از تأسیس کمپانی/ شرکت خواهد شد. از این نظر غایت کمپانی که تحقق فواید عامه است، به ضد خود تبدیل خواهد شد (ملک‌خان، ۱۳۸۱: ۲۳۵ و ۲۴۷).

نزدیک‌ترین آثار به لحاظ ایده‌ای به این پژوهش، اثر مهم تیموری (۱۳۲۸) و عباسی (۱۴۰۰) است که اولی از روی اسناد آن دوره، جنبش تنباکو و نیز اثر و کنشگری گروه‌های اجتماعی مختلف، از جمله مذهبیان، تجار، زنان و... را بررسی می‌کند. او این جنبش را اولین مقاومت منفی در ایران می‌نامد و آن را مفری برای خسته و فرسوده کردن دشمنان می‌داند که پس از آن منجر به اقدامات ایجابی، از جمله انقلاب می‌شود (تیموری، ۱۳۲۸). از این نظر، می‌توان جنبش تنباکو را زمینه‌ساز انقلاب مشروطه دانست که بسیاری نیز به آن پرداخته‌اند. منتهی به نظر می‌رسد آنچه به میانجی جنبش تنباکو در تاریخ ایران آغاز شد، در جنبش مشروطیت به فعلیت نرسید. از قضا این نقطه تفاوت این پژوهش با ایده مقاومت منفی تیموری است و به نحوی می‌توان گفت این جستار، گفت‌وگویی انتقادی با این اثر پس از حدود هشت دهه است. ضمن آنکه عباسی نیز با بررسی فیگور قره‌العین، زنی بابی در عصر قاجار که یک‌تنه در برابر مردسالاری شیعی و استبداد سیاسی ایستاده است، در جست‌وجوی بررسی جامعه‌شناختی فمینیسم در ایران، از دل تحولات درونی جامعه بوده است. او به مفهوم تجربه پلینی در بایه اشاره کرده است، اما در کل مقاله، به آن به مثابه مفهومی محوری نمی‌پردازد؛ زیرا مهم‌تر برای او پراکتیس زنانه قره‌العین است. شریفی ساعی (۱۴۰۱) نیز به نقش زنان و بهره آنان در مشروطه پرداخته است.

الگار (۱۹۶۹) در *دین و دولت در ایران ۱۷۸۵-۱۹۰۶*: نقش علما در دوره قاجار به جایگاه مذهب، با محوریت نیروی اصلی آن، یعنی علما، در عصر قاجار می‌پردازد. او مدعی است با وجود تعیین‌کنندگی این قشر، از زمان جنگ‌های روسیه در بسیج کردن مردم، این جنبش تنباکو بود که تجلی بی‌بدیل نفوذ روحانی علما در اتحاد با بازاریان شد. این نفوذ پیش برای دولت باورپذیر نبود و برای بیگانگان نیز غافلگیرکننده بود. نویسنده بر آن است که همین تحولات موجب تغییر دیپلماسی بریتانیا در مواجهه با علما شد. این نفوذ از نظر الگار تا انقلاب مشروطه تداوم یافت. اشرف (۱۳۵۹) نیز در *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجار همچون الگار* به نقش اتحاد بازاریان و روحانیون در جنبش تنباکو و نیز اثرگذاری آن در بسیج مردمی صحنه می‌گذارد. در واقع او نیز مدعی است که تجار، واسطه میان علما و مردم بوده‌اند. ضمن آنکه جوادی (۱۳۹۱) نشان داده است بخشی از روحانیون در دربار ناصرالدین‌شاه اصلاحات او را عامل برهم‌خوردن کیان پادشاهی دانسته‌اند.

آبراهامیان (۱۳۸۹) با دغدغه تحلیل طبقاتی تحولات تاریخی ایران، از انقلاب مشروطه و رخدادهای پیش از آن تا انقلاب ۱۳۵۷ و مابعد آن را دارد، در زمینه جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت نقش طبقه متوسط سنتی و جدید یا روشنفکران را بررسی کرده است. از همین رو «نارضایتی عمومی فزاینده» را سبب اصلی جنبش تنباکو می‌داند که متأثر از نفوذ غرب بوده است.

آدمیت (۱۳۴۰) و ناطق (۱۳۷۱) به‌صورتی تاریخ‌نگارانه به موضوع جنبش تنباکو و انقلاب یا به تعبیر خودشان «نهضت مشروطیت» پرداخته‌اند. آدمیت ورود ایده آزادی را به‌عنوان پیش‌شرط انقلاب مشروطیت می‌داند و هنگامی که به همراه ناطق «رژمی

تنباکو» را بررسی می‌کنند، چندان به اثرگذاری جریان‌ها یا به تعبیر آبراهامیان جنبش توده‌ای در تحولات مشروطه توجه نمی‌کنند. آدمیت بیشتر از منظری روشنفکری و ناطق از چشم‌انداز تجار و بازرگانان، به جنبش تنباکو می‌پردازند.

فوران (۱۳۸۶) به نکته‌ای اساسی در تاریخ معاصر ایران می‌پردازد و آن تأخر ورود ایران به نظام جهانی است. او درباره جنبش تنباکو از این تعبیر کدی استفاده می‌کند که جنبش را «ائتلافی عجیب و ناپایدار» می‌نامد که در آن رهبری روحانیت، بازاریان و روشنفکران مانع افزوده‌شدن مطالبات و تقاضاها می‌شد و در انقلاب مشروطه به نتیجه منطقی خود رسید (فوران، ۱۳۸۶: ۲۵۰). این ائتلاف عجیب و ناپایدار، یکی از مشخصه‌های اصل پلینی است. آفاری (۱۳۸۵) نیز به صورتی گذرا به جنبش تنباکو پرداخته و معتقد است این جنبش زمینه‌ساز انقلاب مشروطه بوده است (آفاری، ۱۳۸۵). اتابکی (۱۴۰۰) که به تاریخ فرودستان می‌پردازد، اشاره‌ای به جنبش تنباکو ندارد. از این نظر اثر او به صرف مطرح کردن مفهوم فرودستی و صورت‌بندی آن مهم است؛ درحالی که نوشتار حاضر، ضمن گفت‌وگوی انتقادی با آرای پیشین در باب موضوع و نیز الهام‌گرفتن از آن‌ها می‌کوشد به جنبش تنباکو به‌مثابه امری ناین‌همان پردازد که نیرویی معاصر دارد.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

تجربه پلینی، مفهومی سیاسی در معنای رادیکال و از پایین یا از دل به میدان آمدن مردم عادی است. درواقع این مفهوم امر سیاسی را با دو ویژگی اصلی متمایز می‌کند: ۱. شقاق آغازین امر اجتماعی و ۲. امر رام‌نشده. دلالت‌های این ویژگی‌های دوگانه نشان می‌دهد هستی اجتماعی، همواره دوپاره است و نمی‌توان تمام مسائل را حل‌وفصل کرد (براو، ۱۳۹۶: ۲۸) و هرگونه نگرش غایت‌شناسانه به تاریخ، نوعی اسطوره است. این نوع ویژگی‌های بنیادی است که امر سیاسی را ضرورت می‌بخشد. امر سیاسی بیش از هر چیز نوعی منازعه با سیاست به‌مثابه تاریخ‌سازی طبیعت‌گرا است. طبیعت‌گرایی که درواقع علیه امر سیاسی در معنای دوگانه‌کننده و رام‌نشده کلمه قرار می‌گیرد. تاریخ طبیعی می‌خواهد تاریخ را از منظر سروران و روایت حاکم آن‌ها برسازد. این تاریخ در پی ابدی‌سازی مناسبات اجتماعی-سیاسی، ذیل روایت قدرت حام و نظام دانش آن است (باکمورس، ۱۹۹۱).

از این رو اصل پلینی، بیشتر نوعی به‌میان‌کشیدن منازعه در روایت و تاریخ و پیش‌کشیدن رؤیایی دیگر، از خلال روایتی دیگرسان است. از این نظر باید تأکید کرد که پلب‌ها، قسمی مقوله تیپیک هستند و بر دسته‌بندی اجتماعی خاص دلالت دارد، نه نوعی هویت، «بلکه بیش از هر چیز یک رخداد بنیادین سیاسی است» که به گذار از جایگاهی فروسیاسی (پیشاسیاسی) به یکی از تکوین‌یافته‌ترین سوژه‌های سیاسی می‌انجامد: «دگردیسی از حیوان زحمتکش^۱ به جانوری سیاسی^۲» (براو، ۱۳۹۶: ۳۱). دقیقاً اینجا است که منازعه روایی آغاز می‌شود؛ آنجا که آنکه ستمدیده است، انسجام، حقانیت و تک‌صدایی غالب را لغو می‌کند و از حالت بیان حیوانی و قیل‌وقال^۳، مخدوش و به‌رسمیت‌شناخته‌نشده دارای منطق، عقلانیت و رسمیت می‌شود و در گفتار عمومی^۴ تشخیص و شأن می‌یابد.

می‌توان اصل پلینی را چنین تعریف کرد: «منش و گرایشی که محدودیت‌های امر حاضر و ممکن را که ناشی از نظم مسلط است، مردود می‌شمارد و در عوض سر آن دارد که سیاستی جمعی را که در یک اجتماع سیاسی مشخص، مهار همه‌چیز را به‌دست

1. Animal laborans
2. Zoon politiken
3. Phone
4. Logos

دارد، حیات جمعی متفاوتی ببخشد» (براو، ۱۳۹۶: ۳۲). پس نیرویی محرکه دارد و آن «امتناع از تن دادن به سلطه سیاسی است». در نهایت، این اصل عناصری دارد که در ادامه به اجمال به هر کدام از آن‌ها و نیز مشخصه‌های عملی‌شان می‌پردازیم:

۱. کمونالیسم: ترقی از جایگاهی فروسیاسی به جایگاهی سیاسی از طریق خواست و اراده پلب‌ها برای رهایی‌بخشی است. این بدان معنا است که خواست و اراده جمعی پلب‌ها برای رهایی از وضعیت ستمگرانه حاکم بر آن‌ها به صورتی جمعی آن‌ها را به صحنه سیاست می‌کشاند؛ به نحوی که به میدان و حوزه عمومی می‌آیند تا خواست خود را غیر از سازوکاری که قدرتمندان چیده‌اند، پیش گیرند. این امر به شیوه‌های ذیل تجلی می‌یابد: پیوند آن با یک قشر یا طبقه خاص تابع و ستم‌دیده؛ وجود دموکراسی رادیکال به مثابه شکل آن؛ داشتن خاستگاهی انقلابی.

۲. آگورافیلیا^۱: عشق به حضور در میادین عمومی در برابر هراس از میادین عمومی^۲ است. پلب‌ها در لحظه حضور سیاسی، همواره عشق و علاقه وافر خویش به حضور در عرصه عمومی، از جمله خیابان، میادین یا به تعبیر کلاسیک آن، آگورا را به صورت عملی نشان می‌دهند. در مقابل این روند، قدرتمندان از این عمل آنان عمیقاً هراس دارند. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین منازعات در تجارب پلبینی «بازآرایی نظم فضای اجتماعی» به سبب میل به تملک از سوی هردو طرف منازعه است.

۳. زمانمندی محدود عمل پلبینی: این امر به مثابه نوعی شکاف عمل می‌کند که در مقام قسمی رخداد فوران‌کننده و ناگهانی، به صورتی گذرا نظم مسلط را درهم می‌شکند (براو، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۴).

جست‌وجوی این عناصر درهم‌شکننده در جنبش تنباکو نشان خواهد داد آیا این جنبش، نوعی تجربه پلبینی هست یا نه و چنانچه هست، چه عاریه‌ای برای تاریخ معاصر و لحظه حال ما دارد. هرچند همواره این پرسش دو لایه‌ای، همچون شمشیر دموکلس روی سر جنبش‌های پلبینی در نوسان است که «چرا مردم فرمانروایی فردی تنها را می‌پذیرند که یگانه دلیل قدرتمندی‌اش این است که آنان خود قدرت را به وی بخشیده‌اند» (دولابوئسی، ۱۴۰۰). جنبش تنباکو و منظومه آن نیز از این بازگشت به وضع سابق، اما در مناسبات جدید مصون نیست.

۴. روش‌شناسی پژوهشی

مهم‌ترین آثاری که به جنبش تنباکو پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند به صورتی اسنادی مناسبات و تحولات آن را بررسی کنند، چندان زیاد نیستند؛ زیرا عموماً این جنبش را حاشیه‌ای بر انقلاب مشروطه تلقی کرده‌اند. منتهی این جستار بر آن است که این جنبش از اهمیتی بنیادی در تحولات مدرن ایران برخوردار است که می‌توان آن را تاریخ نخستین به رسمیت شناختن مردم در ایران و به تبع آن سرآغاز دموکراسی‌خواهی در ایران دانست. فارغ از اسناد و نامه‌هایی که از آن دوران به جامانده، از جمله نامه‌های سید جمال‌الدین که در نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۳۴۹) با مقدمه و گردآوری ابوالحسن جمالی اسدآبادی (کتاب‌های پرستو، وابسته به انتشارات امیرکبیر) منتشر شده است، مهم‌ترین آثار *قرارداد ۱۸۹۰ رژی*، *تحریم تنباکو: اولین مقاومت منفی در ایران* (۱۳۲۸) تألیف ابراهیم تیموری و نیز *بازرگانان در دادوستد بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین‌الضرب)* (۱۳۷۱) از هما ناطق هستند که در این جستار مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند.

برای درک بهتر موضوع از روش‌شناسی منظومه^۳ بهره گرفته می‌شود؛ زیرا این رویکرد، ابژه را مینا قرار می‌دهد. محقق همواره با کاربست موضوع در تاریخ آن سروکار دارد و وظیفه مواجهه انتقادی، گذار به حقیقت موضوع است که خود نیز تاریخی است. اما اصل

1. Agoraphilia
2. Agoraphobia
3. Constellation methodology

مبنایی این است که دعوی مالکیت بر حقیقت در کلیت آن وجود نداشته باشد که حقیقت نه انطباق‌پذیری موضوع با مفهوم، که توجه به نایتمندی موضوع و در نتیجه حقیقت^۱ به‌مثابه حرکتی در دل موضوع و ساخت منظومه‌ای برای به‌پرسش‌کشیدن هرگونه داعیه انطباق‌پذیری است؛ همان جست‌وجوی منطق ناین‌همانی^۲ برای فروپاشی هرگونه منطق این‌همانی^۳. این اصل بدان سبب است که خود موضوع^۴ فروپاشیده است و حقیقت نیز در موضوع نهفته است. از این‌رو پیش‌فرض هرگونه مواجهه منطقی با آن، خود نوعی منطق فروپاشی^۵ است (رجوع شود به آدورنو، ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷؛ اوکانر، ۱۳۹۹؛ باکمورس، ۱۹۷۷).

عطف توجه به موضوع، به‌مثابه ظرف حقیقت، مونادشناختی^۶ است. به این معنا که هر موضوع به‌مثابه نوعی امر خاص، یگانه است، اما تصویری از امر کلی را نیز در خود حمل می‌کند؛ زیرا این واقعیت تاریخی عام نیز مطلق نیست، بلکه لحظه‌ای خاص درون فرایند تاریخی است تا اینکه به‌لحاظ هستی‌شناختی و ابدی معتبر باشد. خود آن تاریخی رسوب شده است (باکمورس، ۱۹۷۷: ۷۶). از این‌رو وظیفه این نگرش نقادانه نه به‌چنگ‌آوردن حقیقت که در پی نقد ادعای حقیقت است. این به‌معنای کنارگذاشتن پرسش از حقیقت نیست، بلکه نوعی تلاش عمیق و گسترده برای نقد تلقی ایدئولوژیک از حقیقت است؛ آن‌چنان که عمدتاً دستمایه پوپولیسم است (مورلوک و سولیوان، ۲۰۲۱: ۱۱-۱۲).

در این رویکرد، با عناصر امر خاص به‌مثابه قسمی رمز^۷ مواجه هستیم که باید از طریق تفسیر از قالب معماگون خویش بیرون آیند. کنش‌ها، کلمات، تصاویر، متون و... همین عناصر رمزی هستند که پس از تجزیه و تحلیل، «مقولات کلیدی» آن‌ها محل تفسیر قرار می‌گیرند. میانجی فهم این مقولات کلیدی، کلیدهایی هستند که از وجوه نظری تجربه پلبینی الهام می‌گیرند. نقش مؤلف به‌مثابه سوژه در فهم حقیقت نهفته درون ابژه از همین رو ضروری است که نمی‌توان مدعی بود حقیقت به‌راحتی و به‌واسطه به‌کارگیری روش، آن‌چنان که اثبات‌گرایان مدعی هستند، استنتاج خواهد شد و فقط کافی است چوب جادویی روش را به‌کار برد. این پژوهش به‌لحاظ تکنیکی از تکنیک‌های مطالعه اسنادی همچون نامه‌ها، بیانیه‌ها، روزنامه‌ها و... و نیز تحلیل ثانوی، یعنی آنچه دیگر پژوهشگران تاکنون تحلیل کرده‌اند، بهره می‌برد.

۵. یافته‌های تحقیق

ورود جوامع غیرغربی به وضعیت سرمایه‌داری به سبب توسعه یا قلمروگستری سرمایه بوده است، نه انباشت اولیه آن‌چنان که کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی تجربه کرده‌اند (متین، ۲۰۱۳) که توأم با مناسبات بین‌المللی مبتنی بر استعمار و مداخله خارجی بوده است. این شیوه توسعه، «ناموزون و مرکب»^۸ بوده و کماکان هست (تروتسکی، ۱۴۰۲). از این‌رو اینکه جنبش تنباکو عرصه‌ای باشد که در آن، منازعه‌ای نیابتی میان بریتانیا و روسیه نیز موجود باشد، ذیل این بینش توضیح‌پذیر است. موقعیت رهبردی ایران در نظم جهانی و مناسبات بین‌المللی سرمایه بود که امکان اشغال استعماری را نمی‌داد. از این‌رو کشورهای استعمارگر برای مداخله جدی به ایجاد ارتباط با گروه‌های ذی‌نفع و اثرگذار پرداختند. تجار و علمای دینی از جمله این گروه‌ها بودند که روسیه برای

1. Unintentional Truth
2. Non-Identity
3. Identity
4. The Object
5. Logic of Disintegration
6. Monadologic
7. Code
8. Uneven and combined

لغو امتیاز رژی تنباکو، به خصوص با علما ارتباط برقرار کرد. اما این امر برخلاف نظر ناطق و آدمیت و دیگران، چیزی از اثر ایشان در جنبش نمی‌کاهد (نک به ناطق، ۱۳۷۱).

این امر از آن رو است که در عصر قاجار، مناسبات علما و تجار، پیش‌تر عمیق شده بود و در این باره باید گفت که تجار منابع مالی و پشتوانه مردمی آنان را فراهم ساخته و در مقابل، علما نیز در برابر تنش‌ها میان تجار و دولت، پشتیبان تجار بودند (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۱۱). این مناسبات متقابل در جنبش تنباکو تداوم پیدا کرد و عمیق‌تر شد.

۵-۱. امتیاز تنباکو و شقاق آغازین امر اجتماعی

بسیاری از نظریه‌پردازان و مورخان اجتماعی که ماجرای جنبش تنباکو را بازگو یا صورت‌بندی کرده‌اند، بیش از هر چیز منافع کنشگران عرصه آن را محل توجه قرار داده‌اند یا حاصل دخالت دولت‌های خارجی، خاصه روسیه دانسته‌اند. این نگرش بی‌راه نیست، اما جنبش تنباکو و حتی مشروطیت، هرگز جنگ منافع دو گروهی نبود که صرفاً منافع خویش را در خطر دیده باشند. شاهد این مدعا، خطاب سید جمال‌الدین به میرزای شیرازی است: «ولی تو توانایی و نفوذ کلمه‌ای داری که در همه آن‌ها مؤثر خواهی بود، دل‌های پراکنده آن‌ها را متحد خواهی کرد، این اختلاف کلمه را از میان برمی‌داری و به‌واسطه تو قدرت‌های اندک‌اندک جمع خواهد شد. یک کلمه تو سبب ایجاد وحدتی می‌شود که این بلاهای محیط کشور را برطرف سازد و دین اسلام را حفظ نموده و جامعه دینی را نگاه بدارد. پس همه با تو است و تو نزد خدا و مردم مسئول خواهی بود» (اسدآبادی، ۱۳۵۴: ۵۲).

مسئولیتی که سید خطاب به مجتهد شیعه مطرح می‌کند، برای ایجاد اتحاد میان مردم علیه استبداد صدراعظم وقت، امین‌السلطان و نیز خطر استعمار دول بیگانه است. هرچند درنهایت امین‌السلطان را عامل اصلی اعطای انواع امتیازات به بریتانیا می‌دانند که موجب شد سید جمال‌الدین او را بی‌دین و عامل خارجی بداند و تجار علیه او بایستند و روس‌ها او را ضد منافع خویش در ایران بدانند (آفاری، ۱۳۸۵). جنبشی که زمینه‌هایی اقتصادی-سیاسی داشت و به سبب هزینه‌هایی که در فرایند تولید-توزیع-مصرف تنباکو بر زندگی اجتماعی تحمیل می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۸۷)، بدل به صحنه‌ای برای حضور همگانی شد. در اینجا از جزئیات واقعه سخنی به میان نمی‌آوریم، چون دیگران نوشته‌اند و فقط به اطناب می‌انجامد، اما در کل، این قرارداد با تالبوت نامی به میانجی امین‌السلطان و اعتمادالسلطنه و دیگران در سفر شاه وقت به انگلستان بسته شد؛ مفاد آن یک سال بعد در جراید منتشر و شد آنچه شد (نک. تیموری، ۱۳۲۸؛ الگار، ۱۹۶۹؛ آبراهامیان، ۱۳۸۷؛ آفاری، ۱۳۸۵؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۷۱). در این باره، حاجی محمدرحیم اصفهانی، در تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۰۸ هـ ق می‌نویسد: «یک فقره محرمانه از بانک در مجلس صحبت شد. خیال آن‌ها این است که دولت ایران پول می‌خواهد. همین قدر گفته‌اند ما پول می‌دهیم و هر امتیاز که لازم داریم خواهیم گرفت» (ناطق، ۱۳۷۱: ۹۰).

خود امتیازداران نیز از واکنش تنباکوکاران، بازرگانان و مصرف‌کنندگان که به ترتیب دهقانان، تجار یا بازرگانان و عامه مردم بودند، باخبر بودند و با احتیاط وارد عمل شدند. در این باره، ارنستین، یکی از نمایندگان رژی در ایران، خطاب به شاه می‌گوید: «میل من این بود که دل‌نگرانی بازرگانان را از میان بردارم و مردم را از اهدافی که کمپانی دنبال می‌کرد آگاه کنم... بسیار اساسی است که آن «سه طبقه» که رژی با آنان سروکار خواهد داشت، خرسند باشند...» (ارنستین به نقل از ناطق، ۱۳۷۱: ۱۰۸-۱۰۹). بازرگانان نیز به همین دلیل در ابتدا با توجه به مزیت رقابتی و سودی که متصور بودند با رژی همکاری کردند، اما هنگامی که افق این چشم‌انداز تاریک شد، به‌پا خاستند.

دولت در اعلانی مهم اظهار می‌دارد: «چون دولت ابد شوکت علیه قاهره، محض حفظ منافع مملکت و تزئید مداخل دولت، اداره دخیانیت تمامی ممالک ایران را به عهده یک کمپانی معتبر بامکتی محول فرمودند و چون مستنداً بتوفیقه تعالی کمپانی مزبور نیز از

ابتدای هذه السنه ۱۳۰۸ [برابر با ۱۲۶۹ هـ ش]^۱ توشقان‌نیل خیریت دلیل شروع به اداره امور خواهد نمود، لازم دانسته شد که قبل از وقت فوایدی که از تشکیل این کمپانی برای عموم اهالی منظور است، اطلاع داده شود» (تیموری، ۱۳۲۸: ۲۹). دولت قاهره با این فرض که حق تشخیص صلاحیت مردم به‌طور کلی را دارد و با نگرشی تمامیت‌خواهانه میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف تفکیکی قائل نیست، با مقاومتی تا آن زمان بی‌نظیر مواجه شد.

در روز ۱۸ آذر ۱۲۷۰ هـ ش، رژیم قرارداد را اجرا می‌کند. از همان ابتدا به‌لحاظ مفهومی قرابتی انتخابی میان تجار و علمای شیعه ایران رقم خورد که بسیج همگانی را ممکن کرد. خطاب آنان مردم عادی، بازرگانان، دین‌داران و... مفاهیمی است که حول انسان مسلمان^۲ مفصل‌بندی می‌شود. در نامه یکی از افراد معروف اصفهان، نخستین شهر به‌پاخاسته در برابر رژیم، آمده: «فرنگی صاحب‌امتیاز پس از ورود و استقرار در کمال اقتدار و استقلال بنای هرگونه تحکم بر مسلمانان گذاشته...» (تیموری، ۱۳۲۸: ۴۵). از همین وجه است که اسدآبادی نیز در نامه خویش به میرزای شیرازی، صدراعظم را بی‌دین نامیده که جان و مال مردم مسلمان، اما نامتحد را به «کفار» اعطا کرده است. ضمن آنکه در مقابل نقل می‌کند که صدراعظم «برای فرونشاندن هیجان احساسات عمومی، من و هواخواهانم را که فقط روی غیرت دینی (به‌قدر استطاعت) در مقام مدافعه از کشور و حقوق رعیت برآمده بودیم به طایفه بای‌ها نسبت داد، همچنان که زبان بریده ابتدا شهرت داد که من ختنه نشده‌ام، و الاسلام...» (اسدآبادی، ۱۳۵۴: ۵۳).

اتهام صدراعظم («بای‌بودن» و «ختنه‌نشده‌گی» اسدآبادی)، نشان از اهمیت مفهومی با دلالت‌های اسلامی برای صدا داشتن یا بی‌صدا بودن در عرصه سیاسی است. مسلمان، ملت اسلام، مملکت اسلامی، مردم و خلق در تقابل با خائن، تبه‌کار، بیگانگان، کفار و فرنگی، از تقابل‌های دوگانه‌ای هستند که در هستی اجتماعی به انشقاقی اساسی منجر می‌شود و سرشت سیاسی جنبش تنباکو را برمی‌سازد. در واقع در همین تقابل مفهومی- پراتیک بود که مردم برای نخستین بار از جایگاهی فروپسای، به جایگاهی سیاسی ارتقا پیدا می‌کنند. ضمن اینکه «تاجران با مطرح کردن اصول مذهبی نه‌فقط این اتهام را که به‌خاطر منافع شخصی عمل می‌کنند خنثی کردند، بلکه مبارزه با بریتانیا را به رویارویی مسلمانان و کفار تبدیل نمودند و توانستند مردم را علیه مداخله اقتصادی بسیج کنند» (معدل به نقل از آفاری، ۱۳۸۵: ۵۳)، اما آنان خود نیز بخشی از فرایندی بودند که ضمن آن ارتقا، جایگاه سیاسی یافتند.

وقوع یک بسیج همگانی، همواره با وجود خطری برای اقشار اجتماعی رقم می‌خورد. البته منظور از «طبقات» در اینجا تعبیری کاملاً اقتصادی است که در روند سیاسی‌شدن، از خواست اقتصادی به‌نوعی آگاهی گسترده از فرودستی مشترک تبدیل می‌شود (تامپسون، ۱۳۹۵؛ سینزوود، ۱۳۸۶). با توجه به این مفروض، شروع جنبش تنباکو از احساس خطر طبقه تجار و تسری آن به علمای دین برای بسیج عمومی، فقط بخشی از منطق تجربه پلینی برای شکل‌گیری نوعی جنبش دموکراتیک است که طومار امتیاز رژیم را درهم پیچید. تا اینجا گسستی در هستی اجتماعی رقم خورده بود که صحنه را بدل به امری سیاسی کرد.

۵-۲. سیاست تحریم: راهبرد مبارزه دموکراتیک

واقعه تنباکو در تاریخ معاصر، به‌واقع رخداد نخستین‌ها نیز بود. اعطای امتیازهای مختلف عصر قاجار، خاصه امتیاز تنباکو بخشی از منطق قلمروگستری سرمایه‌داری بودند که کشورهای مرکز به کشورهای به‌اصطلاح پیرامون تحمیل می‌کردند تا تقسیم‌کار جهانی سرمایه در جغرافیای سیاره‌ای به‌لحاظ فضایی تثبیت شود. اما موانعی وجود داشت؛ مهم‌تر از همه اینکه این قلمروگستری نیازمند

۱. برابر شمسی از نگارندگان است.

دولتی مقتدر برای حفظ گردش سرمایه بود که قاچاریان فاقد آن بودند. به علاوه، این قلمروگستری هرگز بدون مقاومت نبوده است؛ با اینکه نظریه پردازان نظام جهانی، به این وجوه دموکراتیک چندان توجه نکرده‌اند.

پس از آنکه حاج علی‌اکبر فال‌اسیری، شیراز را علیه مأموران انگلیسی رژی برمی‌انگیزاند و اعلان جهاد عمومی به عامه مردم می‌دهد، سر لاسل سفیر انگلیس، به امین‌السلطان متوسل می‌شود تا مردم را کنترل کند. او به قوام‌الملک می‌نویسد تا غائله را ختم کند. قوام‌الملک نیز به سواران بهارلو دستور می‌دهد و آن‌ها در حوالی شاهچراغ مردم را به تیر می‌بندند و عده‌ای کشته و زخمی می‌شوند. این نخستین اقدام سرکوبگرانه دولتی در ایران در زمینه تضمین گردش سرمایه است.

بر همین اساس، مقاومت تنباکو به سرعت بدل به نوعی مقاومت ناسیونالیستی و ضداستبدادی شد. مردم تبریز و کل آذربایجان که این انحصار را مخالف با قرآن و دستوره‌های اسلام دانستند، طوماری را به اعتراض تبدیل به قلاده سگ کردند و دور شهر چرخاندند و شاه را به دفاع مسلحانه از «حقوق حقه خویش» تهدید کردند (تیموری، ۱۳۲۸: ۷۳-۷۴). در همین اثنا که نیروهای حکومتی توانستند مردان تبریزی را سرکوب کنند، گروهی از زنان چادرنماز به سر، به رهبری «زینب‌پاشا» به میدان آمدند، بازار را بستند و از نظرها دور شدند (رضازاد عموزین‌الدینی، ۱۳۸۸). آنان بعداً در بلوای نان، نقش قدرتمندتری بازی کردند (سرداری‌نیا، ۱۳۷۷). در اصفهان نیز علما برای نخستین بار خریدوفروش تنباکو را منع کردند و یکی از تجار دوازده هزار کیسه تنباکوی خود را به آتش کشید. همه این‌ها شکل‌های اعتراضی و اعتصابی جنبش تنباکو بود که در مرحله فروش کالا رقم می‌خورد. اعتراضات و تظاهرات در شهرهای بزرگ کشور دلالت بر شکل‌گیری نوعی خواست حضور در صحنه دارد.

اگر امتیاز تنباکو را از منظری اقتصادی-سیاسی بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد هر کنشی در اقتصاد تولیدی، دارای دو لحظه اساسی است: لحظه‌های خریدوفروش یا دادوستد که در فرمول زیر توضیح‌پذیر است:

$$M - C - M'$$

تاجر مبلغی (M) می‌پردازد تا کالایی (C) را تهیه و آن را به فروش برساند تا سود (M') کسب کند (نک: مارکس، ۱۳۸۶: فصل اول). در لحظه $M - C$ ، تولیدکننده باید کالای خود را بفروشد. چنانچه تولیدکننده در این لحظه نخواهد کالای خود را بفروشد، دولت می‌تواند او را مجبور به فروش کند. این کالا می‌تواند محصول یا نیروی کار باشد. مقاومت در این لحظه اعتصاب، تظاهرات، شورش یا تهدید به این‌ها است. بر همین اساس، دولت می‌تواند در حمایت از منطبق بازار به سرکوب دست بزند. سرکوب شیراز در جنبش تنباکو یا تهدید تبریز نمونه این نوع مقاومت بود. در واقع منازعه این لحظه بر سر آن بود که تولیدکنندگان تنباکو در برابر فروش آن مقاومت می‌کردند. در این لحظه دولت به صورتی راحت‌تر می‌تواند به اعمال خشونت متوسل شود؛ به این سبب که خریدار دارای این حق نداشته می‌شود که بابت پرداخت پول، کالای مدنظر خود را تهیه کند؛ به‌ویژه اینکه قرارداد تنباکو، نوعی حق انحصاری بود که از طرف دولتی تمامیت‌خواه منعقد شده بود که خود را حق مطلق می‌پنداشت. گرچه قوای لازم را برای به‌نهایت‌رساندن خشونت نداشت. پس میزان خشونت در لحظه نخست به قوای سرکوب دولت برای تضمین وجه خرید کالا در گردش سرمایه بستگی دارد. اما موضوع

۱. منطق تحریم بر مبنای خوانش دادوستد اقتصادی در تولید کالایی توضیح داده شده است و مبنای آن فصل یک سرمایه مارکس و نیز خوانش کاراتانی (۱۳۹۸) و هاروی (۱۴۰۱) از این نسبت است؛ زیرا تحریم در لحظه‌ای ممکن می‌شود که فرد یا گروهی یا اجتماعی، از حق مصرف یا استفاده خویش سرباز می‌زند و با این سربازدن، در واقع وارد مناسبتی سیاسی با نهاد قدرت می‌شود و آن را به چالش می‌کشد. این امر نظم قالب را مختل می‌کند و تکنیکی برای مقاومت در برابر به رسمیت شناخته‌نشدن است.

2. Money
3. Commodity
4. Plus Money

به همین وجه ختم نمی‌شود. لحظهٔ دوم گردش سرمایه که مربوط به فروش کالا برای کسب سود ($C - M'$) است، وجه مصرف نیز نام دارد. هرچه در لحظهٔ تولید و خرید، قدرت چانه‌زنی دولت و سرمایه‌دار بالاتر است، در لحظهٔ فروش و مصرف، قدرت چانه‌زنی مصرف‌کننده برجسته است. در لحظهٔ نخست، دولت و سرمایه‌دار خود را محق می‌دانند. در لحظهٔ دوم، این مصرف‌کننده است که می‌تواند محق باشد و از حق خویش در مقام مقاومت استفاده کند (کاراتانی، ۱۳۹۸). این موضوع در جنبش تنباکو رخ داد.

مشیرالوزرا در اواخر محرم ۱۳۰۹ هـ ق، مذاکراتی را با میرزای شیرازی رقم زد که علمای ایران به او متوسل شده بودند تا اقدامی کند. او دربارهٔ شرایط امتیاز، مزایای آن در صورت تداوم و مضرات آن در صورت لغو به میرزا توضیح می‌دهد که ایشان در پاسخ می‌گویند: «نگذارید کارتتان به آنجا کشیده شود که وقتی ملجأ شوید و بخواهید توسل به دامن ملت بنزید، ملت را دیگر دامنی نمانده باشد. هنوز تا وقت است، دولت را اگر در حقیقت رفع فتنه و دفع این غائله ممکن نیست به ملت واگذار کند تا ملت خود درصدد دفع این غائله برآید. دولت اگر از عهدهٔ جواب بیرون نتواند آمد ملت از جواب حساسی عاجز نیست خصم را از عهدهٔ جواب بیرون خواهد آمد.» (تیموری، ۱۳۲۸: ۹۰).

با آنکه در این دوران هنوز مفهوم ملت دقیقاً از رعیت و... متمایز نشده است (رضایی و مرادی، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۳)، در اینجا مردم، رعیت و ملت مترادف هستند. میرزای شیرازی دو تلگراف به شاه می‌فرستد و پاسخ درخوری نمی‌گیرد. درنهایت با اصرار علما و بازاریان و تجار، ایشان حکمی را در قالب نامه به میرزای آشتیانی سردمدار جنبش پست می‌کند که به شرح زیر است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم- الیوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان است. حرره الاحقر محمدحسن شیرازی.» وضعیت بغرنج‌تر می‌شود و انشقاق حاکم وارد سطح جدیدی می‌شود. شعارها حول تحریم و نه تظاهرات، اعتصاب یا شورش رقم می‌خورد. حتی «اوباش و داش‌مشتی‌ها» نیز به این جریان می‌پیوندند. در اسناد آمده که می‌گویند: «من شراب را علانیه و برملا می‌خورم و از هیچ... باکی ندارم ولی چیپ را تا آقای میرزا حلال نکنند دم نخواهم زد. من عرق را بامید شفاعت صاحب‌الزمان می‌خورم چیپ را بچه امید بکشم.»

سپس «قهوه‌خانه‌ها بسته شد، سربازخانه‌ها و ادارات دولتی قلیان‌ها را شکستند، عامهٔ مردم بر سر کوی‌وپرزن کشیدن تنباکو را متوقف کردند. از دههٔ ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ که جنبش تنباکو در جریان بود، فقط ۴ تا ۵ درصد کل صادرات بازار کوچک و ضعیف ایران را تشکیل می‌داد» (فلور، ۱۴۰۱: ۴۴) و مصرف‌کنندگان اصلی توتون و تنباکوی ایران، خود مردم کشور بودند. زنان شاه در حرمسرای او قلیان‌ها را شکستند. روزی که انیس‌الدوله داشت قلیان‌های حرمسرا را می‌شکست، شاه جويا شد. او پاسخ داد: «برای آنکه قلیان حرام شده، ناصرالدین‌شاه روی درهم کشیده با تحکم گفت: «که حرام کرده؟» انیس‌الدوله هم با همان حال گفت همان کس که مرا به تو حلال کرده است.» (نقل در تیموری، ۱۳۲۸: ۱۰۸) حتی قلندران حشیش می‌کشیدند، اما تنباکو نه.

آنان که فاقد صدا بودند و فروسیاسی، اکنون از طریق نمایندگانشان صدا داشتند و دولت با آن‌ها جلسه برگزار می‌کرد تا نظر علما را تغییر دهد. امین‌السلطان در جلسه به تحکم می‌گوید: «آقایان بی‌پرده می‌گویم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صریحاً فرموده‌اند تغییر و تبدیل در این عهدنامه از هیچ رو دولت را ممکن نیست این معنی محال و ممتنع است شما از این معنی قطع نظر نموده و فکری دیگر بکنید» که چنین در جواب می‌شود: «ما که پیغمبران شریعت‌آور نیستیم تا بتوانیم حرامی را حلال یا حلالی را حرام کنیم وظیفهٔ ما فقط بیان حلال و حرام شریعت است.» این امتناع از پذیرش فرمان، در پایان جلسه با همسطح‌شدن سیاسی نمایندگان ملت با شاه به نتیجهٔ منطقی‌اش می‌رسد. سید محمدرضا بهبهانی در پایان جلسه، به‌عنوان به‌اصطلاح حکم‌نهایی و هشدار می‌گوید: «به‌هرحال اگر این حکم را دولت داده است که باید به امضای ملت باشد و اگر شخص شاه داده که... حقی نداشتند و ندارد.»

پس از این، امتیاز تا حدی لغو می‌شود. اما کماکان صادرات و واردات با رژی است. در مقابل، علما که نماینده مردم بودند، نپذیرفتند. آشتیانی به عنوان رهبر و سخنگوی نهضت مقاومت، با شاه مکاتباتی می‌کند. شاه که پاسخ میرزای شیرازی، به عنوان یکی از دو مجتهد اعظم شیعه را نمی‌داد، اکنون به تضرع به آشتیانی نامه می‌نویسد و از او تقاضای پاسخ دارد؛ به گونه‌ای که خود او هم انتظارش را نداشت. همتراز شدن مقام شاه و علما در این نبرد، دلالت بر ارتقای سیاسی «مردم» و نیز نوعی خواست دموکراتیک دارد که به راحتی فرصت و امکان حضور در میدان را باز پس نمی‌دهد.

خبر حکم جهاد در صورت لغو شدن امتیاز از سوی میرزای شیرازی می‌آید که آشتیانی تکذیب می‌کند. با وجود این، عرصه بر خارجی‌ان تنگ شده بود. در این باره، فوریه که پزشک مخصوص شاه و دربار است، می‌نویسد: «خدا کند که سرما حرارت را از کله کسانی که تا این حد بغلیان آمده‌اند زایل کند تا به صراط عقل برگردند و در سال ۱۸۹۲ اختیار دخانیات باز در دست خود مردم قرار گیرد و غلیون‌ها دوباره به راه بیفتند و دولت و روحانیون با هم آشتی کنند و من هم با دل خوش به طرف فرانسه عزیز برگردم» (نقل در تیموری، ۱۳۲۸: ۱۴۵).

در این میان شاه تصمیم به تبعید میرزای آشتیانی می‌گیرد. میرزای آشتیانی نیز در ۱۴ دی ۱۲۷۰، تصمیم به رفتن به عتبات می‌گیرد. این روز تجلی تجربه پلینی است. طبق مشاهدات و گزارش‌ها «چند کجاوه و پالکی هم حاضر کردند- رفته رفته جمعیت رو به ازدیاد می‌نهاد بعضی دکان‌ها از همان صبح باز نشد و دیگران نیز که وضع را این طور دیدند دکان‌ها را بسته دارودسته خود را خبر نمودند و یک تکه پارچه سفید را از وسط پاره کرده و کفن‌وار به گردن انداخته با چوب و چماق به طرف منزل میرزا روانه شدند و این شعر را نیز با آهنگ مخصوص و با صدای بلند مکرر می‌خواندند: یا غریب‌الغربا می‌رود سرور ما» (نقل در تیموری، ۱۳۲۸: ۱۵۲)

کاخ گلستان محاصره می‌شود. زنان و کودکان نیز به میدان می‌آیند و شعار می‌دهند و شاه را خطاب می‌کنند که «شاه باجی سیلو»؛ «ای لچک بسر»؛ «ای لامذهب، ما ترا نمی‌خواهیم» امام جمعه بر منبر آنان را به سکوت فرامی‌خواند که زنان با فحاشی او را پایین می‌کشند. شاه از این به میدان آمدن می‌هراسد، پشیمان می‌شود. میرزای آشتیانی نیز از رفتن منصرف می‌شود. شاه دستخطی به نایب‌السلطنه می‌نویسد: «نایب‌السلطنه! امتیاز داخله را که برداشته بودیم حال امتیاز از خارجه هم برداشتیم و مردم مجبور به کشیدن غلیان نیستند تا حکم از جانب میرزای شیرازی برسد. شاه.»

اکنون جنبش به قدری رادیکال شده است که حتی دستخط شاه را هم نمی‌پذیرند. آقابالاخان از این اقدام مردم به ستوه می‌آید و به فوج سربازان تبریزی دستور شلیک به مردم می‌دهد. بازهم نافرمانی رقم می‌خورد و آنان نمی‌پذیرند به مردم تیراندازی کنند. در نهایت سربازان نایب‌السلطان را دستور می‌دهد تا مردم را به تیر ببندند که می‌بندند و جمعیت با تلفات از هم می‌پاشد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

سیاست تحریم، در جنبش تنباکو کنشی دموکراتیک و نوعی سیاست حق خواهی امتناعی یا نفی بود و توانست اثراتی پیش‌بینی‌ناپذیر و خلاف انتظار نظام توتالیتر برجای بگذارد. این سیاست که بعداً در کنش «بست‌نشینی» دوران مشروطیت شکل جدیدی یافت، خاص لحظه‌ای است که در آن، کنشگران با انفعال، فعالانه‌ترین وجه هستی خویش را می‌نمایانند. این به حضور رسیدن در لحظه انفعال که ما در وجه مصرف‌کنندگی آن را بازسازی کردیم، به رخ کشیدن قدرت نافرمانی کسانی است که هرگز صدایی نداشته‌اند، اما در مقام توده جمعیت منقاد قدرتمندان بوده‌اند.

این جنبش به صورتی برق‌آسا صورت گرفت و چنان ابعاد گسترده‌ای یافت که هم شاه از این گستردگی جا خورد، هم خود مردم عادی و نمایندگان آن‌ها. شاهد این مدعا تعجب میرزای آشتیانی از نامه تضرع‌آمیز شاه و نیز جاخوردن شاه از هجوم مردم به کاخ بود

که در نتیجه آن مردم به سطح شاه ارتقا یافت و شاه به سطح مردم هیبوط یافت؛ نوعی هم‌ارزی دال‌ها در ساحت قدرت. این حرکت دوسویه در آن لحظه، حاصل کنشی بود که عامه مردم را برای نخستین بار به عرصه منازعه با قدرت توتالیتر کشاند. قدرتی که در تمامیت‌خواهی خود، هیچ صدایی دیگرسانی را بر نمی‌تافت و خود را همچون نیرویی «قاهره» تصور می‌کرد که حقی خدایگانی بر همگان دارد و برای او، مردم رعیت یا توده‌ای بی‌شکل و صدا بودند که چون حیوانات فقط باید زحمت بکشند و آوایی نامتمایز و ناروشن سر دهند که فقط نوعی «قیل‌وقال» بی‌سروته است.

جنبش تنباکو با آنکه با رهبری علما و به تهییج تجار تنباکو، به سرعت بدل به مقاومتی در برابر استعمار و استبداد شد، تجربه‌ای پلبینی بود. نخست به این دلیل که عرصه حضور گسترده‌ای از مردم بود که در لحظه‌ای خاص احساس فرودستی کردند و به اشکال مختلف با هم همراه شدند. علما حکم شرعی صادر کردند، تجار مال خویش را به آتش کشیدند و بیانیه و دعوی کردند، قلندران چپ‌شکستند، آنان و لات‌های خیابانی ترجیح می‌دادند حشیش بکشند یا عرق بخورند تا تنباکو بکشند. زنان و کودکان که پیش از این به‌ندرت امکان حضور فعال در میادین، از جمله در معیت مردان داشتند، شعار دادند، به شاه ناسزا گفتند و نیز امام جمعه را تا آستانه ضرب‌وشتم از منبر پایین کشیدند و در تبریز به رهبری زینب‌پاشا بازار را بستند. در دربار نیز انشقاق صورت گرفت؛ جز چند نفر که به سرعت محل بی‌اعتنایی قرار گرفتند. زنان شاه‌قلیان‌ها را شکستند، سربازخانه‌ها مصرف تنباکو را قطع کردند و حتی در مهمانی‌های درباری با حضور شاه نیز هیچ تنباکو و توتونی مصرف نشد. قهوه‌خانه‌ها نیز کاروبار را تعطیل کردند.

این تنوع کنشگران ویژگی اصلی تجربه پلبینی در کشوری است که پیش از آن، تجربه مشخص و متمایزی از روبرویی مردم و نهاد حاکمیت، خاصه پادشاهی را نداشته است. ویژگی دیگر این تجربه، عشق مردم یا توده‌ها به حضور در میدان و در مقابل، هراس سازوبرگ پادشاهی از این حضور بود. در چندین لحظه از این جنبش، شاه این هراس را بروز می‌دهد، یکی در موضوع تهدید مردم تبریز و دیگری در اوج مبارزه در پایتخت که مردم در روز عظمت میرزای آشتیانی به عتبات، ارگ حکومتی را محاصره کردند. این لحظات، عملاً اوج نمایش قدرت جنبش نیز بودند و شاه مجبور به به‌رسمیت‌شناختن مردم و شنیدن صدایشان شد که در نتیجه دومی، آن مکاتبات اگر نتوان گفت زبردستانه، حداقل هم‌ترازانه را با میرزای آشتیانی رقم می‌زند که تعجب میرزا را برمی‌انگیزد. این عقب‌نشینی‌ها مردم را واداشت تا گام‌های بلندتری را در تلاش برای به‌رسمیت‌شناخته‌شدن بردارند. گواه این مدعا نپذیرفتن متن دستخط شاه در باب لغو امتیاز و نیز پیش‌بینی آن در همین دستخط است که تصمیم مردم برای مصرف تنباکو را به حکم میرزای شیرازی موکول می‌کند. نحوه گفتار نهاد قدرت از «اعلان مهم» تا «دستخط لغو امتیاز توسط شاه» نشان از تضعیف نهاد پادشاهی توتالیتر دارد.

نتیجه نیت‌ناشده این جنبش، خواستی دموکراتیک شد و قدری اعتمادبه‌نفس نهاد قدرت را خدشه‌دار کرده بود. در لحظه نهایی جنبش، مردم جایگاهی فرادست پیدا کرده بودند. اینکه آنان دستخط شاه را نپذیرفته و منتظر حکم میرزای شیرازی بودند، هم نشان از ظهور رقیب یا رقبایی جدید برای قدرت پادشاهی بود، هم نوعی کنش دموکراتیک ویرانگر که ذات کنش سیاسی و شرایط فروریزی هر قدرتی را تعیین می‌بخشد. اگر از منظر نقد زبانی به گفتار و کنش شاه در مواجهه با مکاتبات با علما از ابتدا تا آخرین نامه او پردازیم، بیش از پیش متوجه این تغییرات خواهیم شد.

شاه در ابتدا پاسخی نمی‌دهد یا اگر می‌دهد، خطاب‌های او توأم با قسمی کنش زبانی دستوری است. این امر در کل مکاتبات دربار آشکار است. او در نخستین مکاتبه با میرزای شیرازی، او را به دستور «جناب!» با علامت «!» [توجه] خطاب می‌کند که به‌نحوی دلالت بر جایگاه فرودست یا کم‌اهمیت او در نظر شاه است. اما در اواخر جنبش، میرزای آشتیانی را که در برابر میرزای شیرازی مقلدی بیش نیست، «جنابا!» خطاب می‌کند که نشانه احترام و نیز چه‌بسا سروری است و به ایشان می‌نویسد: «بعضی احکام خواستم با یک

نفر زبانی برای شما پیغام بدهم مفصل بود بهتر دانستم بنویسم و بعد از آنکه این دستخط را ملاحظه کردید جواب عرض نموده و همین دستخط را پس بفرستید...» لحن نامه نیز توأم با احترام است و شاه خود را به صورت اول شخص مفرد و مخاطب را سوم شخص جمع خطاب می‌کند. درحالی‌که لحن نامه نخست به میرزای شیرازی سرد، از روی بی‌رغبتی، دستوری و از منظر دوم‌شخص جمع است، نامه به میرزا هرگز لحنی دستوری ندارد و تضرع‌آمیز است. در عوض در اعلامیه وطن‌پرستان به شاه در حول‌وحوش لغو امتیاز او را «ای ناصرالدین‌شاه!» صدا می‌زنند که لحنی سراسر اعتراضی، تهدیدآمیز و شماتت‌گر دارد. این تحولات نشان‌دهنده تغییر متافیزیک قدرت در ایران است. آنان در پایان این اعلامیه که هم در لحن و هم در نصب بر دیوار ارگ، دلالت بر حرکتی عمیقاً متفاوت دارد، مستقیماً شاه را بیم می‌دهند که: «هرگاه این داستان رفع امتیاز بازیچه و صوری از کار درآمد و معلوم شد که همه این اوضاع مبتنی بر خدعه و فریب رعیت است هر وقت باشد با جمعیت و استعدادی که هرگز گمان ندراری خروج نموده و اگر در سوراخ جانوری پنهان باشی بیرون آورده و خونت را خواهیم آشامید.» (نقل در تیموری، ۱۳۲۸: ۱۸۴)

این تجربه نشان می‌دهد عدم مشروعیت شاید شرط لازم فروریختن قدرت باشد، اما شرط کافی نیست. به عبارت دیگر، این تعبیر وبری که نهاد قدرت به اقتدار یا همان حق اعمال خشونت مشروع برپا است (وبر، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۳)، اگر ایده‌ای نادرست نباشد، نابسند است؛ زیرا چه بسا نهادهای قدرتی وجود داشته‌اند که سال‌ها بدون اقتدار برپا بوده‌اند. از جمله این نهادها، نهاد پدرشاهی قاجاری است که از زمان فتح‌علی‌شاه با ضعف اساسی در مشروعیت و صرفاً برمبنای سیاست تزویر و زور برجا بود. این امر در باب بسیاری از سلسله‌های دیگر تاریخ ایران نیز صادق است که فاقد مشروعیت بودند، اما هرگز از درون فرونریختند، بلکه با حمله خارجی از بین رفتند. درحالی‌که تصویر آخر جنبش تنباکو که زمینه‌ساز مشروعیت نیز بود، عملاً طومار قطعیت قدرت و حاکمیت نهاد پدرشاهی تمامیت‌خواه را درهم پیچید. این تصویر دقیقاً تصویری است که در آن، شاه دیگر نمی‌تواند دستور بدهد.

با وقوع سیاست تحریم که از نظر این نوشتار، اثرگذارترین شکل کنش سیاسی دموکراتیک است، عملاً نهاد قدرت اصلی‌ترین ابزار خود را از دست می‌دهد که «توانایی فرمان‌راندن» است؛ زیرا در فلسفه مبارزه که در لحظات مختلف جنبش نیز نشان داده شد، قدرت زمانی از کار خواهد افتاد که دیگر ابژه‌ای برای اجرای فرمان نداشته باشد. در آن لحظه فرمانروا مستأصل خواهد شد. این استیصال دقیقاً در راهبردهای ناصرالدین‌شاه پس از شکست در گفت‌وگو و اعمال خشونت تا صدور دستخط و بعد از آن تا صدور حکم میرزای شیرازی مبنی بر تأیید لغو امتیاز تنباکو مبرهن بود. این تجربه، در بدن اجتماعی مردم، فیگوری را متجلی ساخت که برای نخستین بار در مقام فرماندهان فرمان می‌بردند (آگامبن، ۱۳۹۹). شاه در این لحظه احساس می‌کرد دیگر فرمان‌برداری ندارد. در نتیجه پا پس کشید. البته که خواست این جنبش، با آنکه همه‌جانبه بود، در پی انقلاب اجتماعی نبود؛ هرچند انقلابی در مناسبات سروری-زیردستی به‌وجود آورد، بلکه بیشتر رانه‌ای ناسیونالیستی داشت و نتیجه آن، سرایت نوعی اعتمادبه‌نفس در مردم برای تغییر ساختار قدرت استبدادی بود که در انقلاب مشروطه به‌وقوع پیوست.

جنبش تنباکو به سرعت پیش رفت و پس از آنکه به انقلاب مشروطه انجامید، پس از دوره‌ای کوتاه و با فشار بریتانیا و روسیه که از همان ابتدا دشمنان اصلی سوژه‌های این جنبش بودند، در سال ۱۹۱۱ فرونشست. این نیز البته دلیلی دیگر بر پلینی‌بودن این تجربه دموکراتیک است. همچنین باید تأکید کرد که این مقاله، علیه نگاه شرق‌شناسانه خود نظریه‌پردازان تجربه پلینی نیز می‌ایستد که بر آن‌اند این تجربه خاص غرب دموکراتیک است (رجوع شود به براو، ۱۳۹۶: مقدمه نویسنده). باید اذعان کرد که ایران یکی از کشورهای است که شاید در این نگرش شرق‌شناسانه در جرگه فرهنگ‌های غیردموکراتیک قرار گیرد، اما در بیش از یک قرن اخیر، در لحظاتی دست به شیوه‌هایی از مقاومت دموکراتیک زده است که این تصورات ذات‌گرایانه و ایستا (غیرتاریخی) شرق‌شناسانه را با چالش مواجه می‌سازد.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل، در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*. تهران: سخن.
- آدورنو، تئودور (۱۳۹۵). *علیه ایدئالیسم (دو مقاله فلسفی)*. ترجمه مراد فرهادپور. تهران: هرمس.
- آدورنو، تئودور (۱۳۹۷). *سویه‌ها: مطالعه‌ای در فلسفه هگل*. ترجمه محمد مهدی اردبیلی و دیگران. تهران: ققنوس.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
- آگامبن، جورج (۱۳۹۹). *آفرینش و آنارشی: اثر هنری و دین سرمایه‌داری*. ترجمه هومن کاسبی. تهران: لگا (مجموعه درنگ‌ها).
- اتابکی، تورج (۱۴۰۰). *تاریخ فرودستان: جستارهایی در تاریخ اجتماعی کارگری و ملی ایران*. ترجمه یوسف صفاری. تهران: چشمه.
- اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۵۴). *نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی*. مقدمه و گردآوری ابوالحسن جمالی اسدآبادی. تهران: امیرکبیر (کتاب‌های پرستو).
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجار*. تهران: زمینه.
- اوکانر، برایان (۱۳۹۹). *دیالکتیک منفی آدورنو: فلسفه و امکان عقلانیت انتقادی*. ترجمه آرام مسعودی. تهران: سیب سرخ.
- براو، مارتین (۱۳۹۶). *تجربه پلینی: تاریخی ناپیوسته از نبرد برای آزادی*. ترجمه فؤاد حبیبی. تهران: ققنوس.
- تامپسون، ادوارد پالمر (۱۳۹۵). *تکوین طبقه کارگر در انگلستان*. ترجمه محمد مالجو. تهران: آگاه.
- تروتسکی، لئون (۱۴۰۲). *تاریخ انقلاب روسیه*. ترجمه سعید باستانی. تهران: نیلوفر.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۲۸). *اولین مقاومت منفی در ایران*. تهران: سقراط.
- دولابوئی، اتین (۱۴۰۰). *گفتار در بندگی خودخواسته*. ترجمه لاله قدکپور. تهران: گمان.
- رضازاد عمو زین‌الدینی، مجید (۱۳۸۸). *زینب پاشا*. تهران: اختران.
- رضایی، فاطمه و مسعود مرادی (۱۳۹۵). *تحول سنجی مفهوم ملت در دوره قاجار*. *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۰ (۱۹)، ۱۰۱-۱۲۰. <https://doi.org/10.22111/jhr.2017.2976>
- سرداری نیا، صمد (۱۳۷۷). *تبریز در نهضت تنباکو*. تبریز: آشینا.
- شریفی ساعی، محمدحسین (۱۴۰۱). *جنبش زنان و هنر مقاومت در عصر مشروطه*. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۱۱ (۳)، ۷۸۹-۸۳۲. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.331739.1246>
- جوادی، ریحانه (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی تاریخی اصلاحات: استدلال‌های مخالفان اصلاحات ناصرالدین‌شاه (۱۲۷۵-۱۲۷۸)* از دیدگاه انتخاب عقلانی. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۱ (۳)، ۹-۴۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36561>
- کاراتانی، کوجین (۱۳۹۸). *کانت و مارکس*. ترجمه مراد فرهادپور. تهران: هرمس.
- فلور، ویلم (۱۴۰۱). *طبقه کارگران و صنعت در ایران (۱۲۲۹-۱۳۲۰)*. ترجمه رضا آذین. تهران: خزه.
- فوران، جان (۱۳۸۶). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)*. ترجمه احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسام.
- لوردون، فردریک (۱۳۹۷). *بندگان مشتاق سرمایه: اسپینوزا و مارکس در باب میل*. ترجمه امین کرمی و فؤاد حبیبی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکس، کارل (۱۳۸۶). *سرمایه: نقدی بر اقتصاد سیاسی*. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: آگه.
- میک‌سینزوود، الن (۱۳۸۶). *دموکراسی در برابر سرمایه‌داری: تجدیدحیات ماتریالیسم تاریخی*. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: بازتاب نگار.
- ناطق، هما (۱۳۷۱). *بازرگانان و دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین‌الضرب)*. تهران: توس.

ناظم‌الدوله، میرزا ملکم‌خان (۱۳۸۱). *امتیاز فواید عامه (در رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله)*. گردآوری و مقدمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی.
 وبر، ماکس (۱۳۸۲). *دین، قدرت، جامعه*. ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.
 هاروی، دیوید (۱۴۰۱). *مارکس، سرمایه و جنون عقل اقتصادی: با مقدمه باب جسوپ بر ترجمه فارسی*. ترجمه حسین رحمتی. تهران: افکار جدید.

- Abrahamian, E. (2010). *Iran between two revolutions*. Translated by: A. Golmohammadi & I. Fatahi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Adamiyat, F. (1960). *Freedom Idea and introduction to constitutional movement*. Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Adorno, T. (2016). *Against idealism (two philosophic essays)*. translated by Morad Farhadpour. Tehran: Hermes. (In Persian)
- Adorno, T. (2018). *Zur metakritik der erkenntnistheorie: Drei studien zu Hegel*. Translated by: M. M. Ardebili et al. Tehran: Qoqnoos. (In Persian)
- Afary, J. (2005). *The Iranian constitutional revolution*. Translated by: R. Rezaei. Tehran: Bisetoon Publishing. (In Persian)
- Agamben, G. (2020). *Creation and anarchy: The work of art and the religion of capitalism*. Translated by: H. Kasebi. Tehran: Lega Publishing. (In Persian)
- Algar, H. (1969/ 1980). *Religion and state in Iran 1785-1906: The role of the ulama in the Qajar Period*. Berkley: University of California Press.
- Algar, H. (1969/ 1980). *Religion and state in Iran 1785-1906: The role of the ulama in the Qajar Period*. Berkley: University of California Press.
- Asadabadi, S. J. (1973). *Letters of Jamal-al- din Asadabadi*. Introduced and Collected by Abol Hassan Jamali Asadabadi. Tehran: Amir Kabir Publishing (Parastoo Books). (In Persian)
- Ashraf, A. (1981). *Historical constraints of capitalism development in Iran: Qajar period*. Tehran: Zamineh. (In Persian)
- Atabaki, T. (2021). *History of subalterns: Essays on social history of Iranian workers and national*. Translated by: Y. Saffari. Tehran: Cheshmeh. (In Persian)
- Boetie, E. D. L. (2021). *Discourse on voluntary servitude*. Translated by: L. Qadakpour. Tehran: Goman. (In Persian)
- Breaugh, M. (2017). *The Plebian experience: A discontinuous history of political freedom*. Translated by Foad Habibi. Tehran: Qoqnoos. (In Persian)
- Buck-Morss, S. (1977). *The origin of negative dialectics: Theodor W. Adorno, Walter Benjamin, and the Frankfurt Institute*. London: Collier Macmillan Publishers.
- Buck- Morss, S. (1991). *The dialectics of seeing: Walter Benjamin and the Arcades Project*. Cambridge: MIT Press.
- Foran, J. (2007). *Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. Translated by: A. Tadayon. Tehran: Khadamat- e- Farhangi- e- Rasam. (In Persian)
- Halbwachs, M. (1992). On collective memory, edited, translated and with an Introduction by Lewis A. Coser, *the heritage of sociology, University of Chicago*, 249.
- Harvey, D. (2022). *Marx, capital madness of economic reason: An introduction by Bob Jesop on Persian translate*. Translated by: H. Rahmati. Tehran: Afkar- e Jadid. (In Persian)
- Javadi, R. (2012). An introduction to historical sociology of reforms: Argument against the Nasser's reform (1859-1862) based on rational choice approach. *Quarterly of Social and Research in Iran*, 1(3), 9-40. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36561> (In Persian)
- Karatani, K. (2019). *Transcritique: On Kant and Marx*. Translated by: M. Farhadpour. Tehran: Hermes. (In Persian)
- Lefebvre, H. (2000) *Writings on cities*. Translated by: E. Kofman & E. Lebas. Massachusetts: Blackwell.
- London, F. (2018). *Willing Slaves of Capital: Spinoza and Marx on Desire*. Translated by: A. Karami & F. Habibi. Tehran: Elmi- Farhangi. (In Persian)

- Marx, K. (2007). *Das Capital: Critique of Political Economy*. Translated by: H. Mortazavi. Tehran: Agah. (In Persian)
- Matin, K. (2013). *Recasting Iranian Modernity: International Relations and Social Change*. London: Routledge.
- Meiksins Wood, E. (2007). *Democracy against Capitalism: Renewing Historical Materialism*. Translated by: H. Mortazavi. Tehran: Baztabe Negar. (In Persian)
- Morelock, J. (2021). *How to critique authoritarian populism: Methodologies of the Frankfurt school* (Vol. 180). Brill.
- Nategh, H. (1991). *Merchants and Trade with imperial bank and tobacco monopoly (upon Archive of Amin- al-Zarb)*. Tehran: Toos. (In Persian)
- Nazem- al- Dovleh, M. M. (2002). *Point of common benefits (in treatise of Mirza Malcom Khan Nazem- al- Dovleh)*. Collected and Introduced by: H. Asil. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- O'Connor, B. (2020). *Adorno's negative dialectic: Philosophy and possibility of critical rationality*. Translated by: A. Masoudi. Tehran: Sib- e- Sorkh Publishing. (In Persian)
- Rezazad Amoo Zaynoddinin, M. (2009). *Zainab- pashah*. Tehran: Akhtaran. (In Persian)
- Rezaei, F., & Moradi, M. (2016). Transevolution of concept of nation in Qajar Period. *Journal of Historical Research of Iran and Islam*, 10(19), 101-120. <https://doi.org/10.22111/jhr.2017.2976> (In Persian)
- Sardarynia, S. (1997). *Tabriz in Tobacco Movement*. Tabriz: Ashina Publishing. (In Persian)
- Sharifi Saei, M. H. (2022). Women Movement and Resistance Art in the Constitutional Era. *Quarterly of Social and Research in Iran*, 11(3), 789-832. <https://doi.org/10.22059/jisr.2022.331739.1246> (In Persian)
- Taymori, I. (1947). *First Negative Resistance in Iran*. Tehran: Soghrat Publishing. (In Persian)
- Thompson, E. P. (2016). *The making of the English working class*. Translated by: M. Maljo. Tehran: Agah. (In Persian)
- Trotsky, L. (2023). *The history of Russian revolution*. Translated by: S. Bastani. Tehran: Niloofar. (In Persian)
- Weber, M. (2003). *Religion, power, society*. Translated by: A. Tadayon. Tehran: Hermes. (In Persian)
- Willem, F. M. (2022). *Labor and industry in Iran: 1850- 1941*. Translated by: R. Azin. Tehran: Kaze Publishing. (In Persian)